

جوابه خانه وحی هجوم بردند

سید جواد حسینی



شیطان به بیت وحی تعالی چه می کند؟
از باغ خلد دُود چرا می شود بلند
رویش سیاه گردد و دستش شکسته باد
دار الزیاره نبی و آستان وحی
باید ز تازیانه بیرسم که در بهشت
گیرم رواست سوختن خانه، میخ در
آتش به گرد جنت اعلا چه می کند؟
بر روی خور سیلی اعدا چه می کند؟
قنفذ کنار خانه مولا چه می کند؟
ای وای من مغیره در آنجا چه می کند؟
آثار خون به قامت طوبی چه می کند؟
آثار خون به قامت طوبی چه می کند؟

* تا کنون تحت عناوین ذیل، در این مجله مقالاتی درباره فاطمه زهرا(س) ارائه شده است:

۱. گزارشی از خانه زهرا(س)، شماره ۱۹، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۲. فاطمه و نقل حدیث، شماره ۲۰، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۳. محورهای اساسی در مبارزات سیاسی حضرت زهرا(س)، شماره ۳۱، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۴. گوشه ای از کرامات فاطمه زهرا(س)، شماره ۳۲، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۵. قطره ای از دریای فضائل زهرا(س) مرضیه(س)، شماره ۴۴، ۱۴۲۴ هـ. ق.
۶. منزلتهای فاطمه زهرا(س)، شماره ۴۳، ۱۴۲۴ هـ. ق.



زهر(س) باشد و عده ای از امت
 سپهر و سپهری بیایند و آن
 جنات را بکشند که همواره
 تاریخ نبوت را بر لوح
 خجالت می کنند و قلم بر خود
 می لرزد؟ این عده چه مراحل را
 طی کرده بودند که سرانجام به اینجا
 رسیدند؟

آن گاه که کودتاگران تصمیم
 گرفتند به خانه ولایت و امامت
 تهاجم برند و فریب خوردگان نیز
 دور خانه علی (ع) گرد آمده و تسلیم
 توطئه ها بودند، دختر رسول
 خدا(ص) از خانه بیرون آمد و در
 کنار در ورودی منزل ایستاد و بر سر
 آنان این گونه فریاد کشید: «من ملتی
 را [مثل شما] نمی شناسم که این گونه
 [عهدشکن و] بد برخورد باشند.
 جنازه رسول خدا را بر روی دست ما
 گذاشتید و رها کردید و امر خود را
 در بین خود گذراندید و از ما طلب
 فرمان نکردید و حق ما را به ما
 ندادید. گویا از آنچه رسول
 خدا(ص) در روز غدیر فرمود آگاهی
 ندارید!

طبق مدارک و مستندات
 سنت، پس از آنکه امام
 گرفته شد و حضرت
 طی این هجوم (ص) را
 آتش زدند و به شخص زهر(س) و
 علی (علیهما السلام) اهانت کردند و
 فرزند آن دو را به شهادت رساندند.
 حال جای پرداختن به این سؤال باقی
 است که چه شد و چه پیش آمد که
 در شهر مدینه، خانه علی و
 زهر(علیهما السلام) توسط مسلمانان
 و حتی کسانی که بارها پشت سر
 پیغمبر اکرم(ص) نماز خوانده بودند
 و کراماً توصیه ها و سفارشهای آن
 حضرت را درباره امیر مؤمنان (ع) و
 یگانه دختر معصومه او شنیده بودند،
 آن گونه مورد تهاجم واقع شد و
 آنچنان به این دو شخصیت آزار و
 اذیت رساندند که حضرت زهر(س)
 بعد از ۷۵ و یا ۹۵ روز، بر اثر
 صدمات وارده از این دنیا رحلت
 کرد.

از نظر روحی و روانی چگونه
 قابل تحلیل است که هنوز آب کفن
 پیامبر(ص) خشک نشده و هنوز
 پارچه سیاه عزاداری بر پیشانی



صلوات اللہ علیہ وسلم

فَوْقَ جَبِينِهِ عَبَسَهُ غَضَبَ فَائِرٍ وَ خَلَقَ نَائِرًا..
وَتَوَقَّفَ عَمْرًا مِنْ خَشْمِيَّةٍ...^۲؛ پس ناگاہ
[مقابل خود] چهره ای بسان چهره
رسول خدا(ص) را دیدند که از
پشت در ظاهر شد، در حالی که
هاله ای از اندوه آن را فرا گرفته و
آثار رنج و الم از خطوط صورتش
نمایان بود و در چشمش روشنائی
اشک وجود داشت و فراز جبینش را
گرفتگی خشمی عمیق و احساساتی
پرگداز فرا گرفته بود... و عمر از
ترس در جا ایستاد....^۱

بعد ادامه می دهد: «فشاری که
به در خانه وارد شده بود، تدریجاً
گسترش می یافت. یارانش که با او
آمده و پشت سرش در مقابل در
ایستاده بودند، ناگاه مقابل خود چهره
رسول خدا(ص) را نگرستند که از
میان سیمای حبیبه اش زهرا(س) به
آنها نگاه می کند... ناگاه آهنگ
لطیف و اندوهبارش را سرداد. به
تدریج آهنگ او اوج می گرفت. او

۲. الغدير، مرحوم علامه امینی، ج ۳، ص ۱۰۳ و ۱۰۴
و ترجمه الغدير، ج ۵، ص ۱۸۵

سوگند به خدا! که رسول گرامی
در آن روز، ولایت و رهبری را به او
(علی (ع)) پیوند زد [و از مردم بیعت
گرفت] تا امید شما [فرصت طلبان
تشنه قدرت] را از امامت قطع نماید،
ولی شما رشته های پیوند [معنوی
] میان پیامبر(ص) و خودتان را پاره
کردید. [این را بدانید که] خداوند در
دنیا و آخرت بین ما و شما داوری
خواهد کرد.»^۱

این ناله ها و فریادهای
زهرا(س) که دل سنگ را آب
می کرد، بر دل مهاجمان اثر نکرد و
آنها را به تامل و اندیشه و یا
عقب نشینی نداشت. عبد الفتاح عبد
المقصود درباره آن لحظه که
مهاجمین با زهرا(س) رو به رو
شدند، جملات سوزناکی دارد که
انسان وقتی بعد از قرنهای آن صحنه را
تصور می کند، نمی تواند متأثر نشود
و اشکش جاری نگردد:

«... فَأَذَا وَجَهُ كَوَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ يَبْدُو
بِالْبَابِ حَائِلًا مِنْ حُزْنٍ عَلَى قَسَمَاتِهِ
خَطُوطُ آلَامٍ وَ فِي عَيْنِهِ لَمَعَاتُ دَمْعٍ وَ

۱. احتجاج، ابوعلی طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸،
امالی، شیخ صدوق، ص ۲۸۴



حکایت نفاق

الف. چهره نفاق

یک تحلیل این است که تصمیم مهاجمان خانه وحی و غاصبان خلافت از روز اول مسلمان شدنشان بر این بوده که در آینده خلافت را تصاحب نمایند؛ یعنی ایمان آنها واقعی نبوده و حالت نفاق داشته‌اند؛ به ظاهر اسلام آوردند، ولی در باطن بر حالت کفر پیشگی خود باقی مانده بودند. در نتیجه، آن حالت درونی نفاق اقتضاء می‌کرد که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) و تصاحب خلافت، اولین انتقامها را از علی و زهرا (علیهما السلام) بگیرند که هم محبوب پیامبر اکرم (ص) بودند و هم سدّ بزرگ و مانع مهمی برای ادامه غضب خلافت.

هر آنکس داشت با من دشمنی اول تو را می‌زد
شهید انتقام جنگ بدر و حنین و خیبرم بودی

این احتمال برخی شواهد قرآنی و روایی دارد که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

۱. آیات قرآن: در قرآن آیات زیادی داریم که بیانگر نفاق عده‌ای

محمد را از میان گور فرا می‌خواند و با صدای ناله‌ای آمیخته با سرشکی تلخبار فریاد می‌کشید: بابا یا رسول الله!...

گویی زمین در زیر پای این گروه ستمگر از بیم و هراس فریاد او می‌لرزید... هنوز سخنش به آخر نرسیده بود که دلها از اندوه او گرفت و دیدگان بر او سرشک همی بارید. مردانی از آن میان با خود حدیث می‌کردند که ای کاش می‌توانستند زمین را شکافته و در خفایای آن پنهان گردند.»

حال باید دید ریشه اصلی ماجرا چه بوده و عوامل پشت پرده این اهانت چه چیز بوده است؟ در این زمینه، احتمالاتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ترجمه الغدیر، ج ۵، ص ۱۸۵



از اصحاب و یاران پیامبر اکرم (ص) می باشد. پیامبر اکرم (ص) در بخشی از خطبه غدیر می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ (مَنْ قَبِلَ أَنْ تَطْمِئِنَّ وَجُوهًا قَرْدَهَا عَلَى آذَانِهَا أَوْ نَلَقَتْهُمْ كَمَا لَقْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ)» ای مردم! به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، ایمان آورید، قبل از آنکه صورتهایی را محو کنیم و آن صورتها را به پشت برگردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت هلاک کنیم.»

آن گاه فرمود: «بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهِذِهِ الْآيَةَ الْأَقْوَمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفْتَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَآسَابِهِمْ وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِقَلْبِي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالتَّبَغُّضِ» به خدا قسم! خداوند از این

۱. نساء/ ۶۷

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۴۰؛ الغدير، ج ۱، ص ۳۴۰؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، صص ۶۵ - ۶۸.

آیه قصد نکرد، مگر گروهی از اصحاب که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم، ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس باید مطابق آنچه در قلبش از حُب یا بغض نسبت به علی می باشد، عمل کند.»

آیه فوق به همراه سخن پیامبر اکرم(ص) به خوبی نشان می دهد که گروهی از اصحاب از همان اوّل حالت نفاق و دورویی را داشتند و بدین وسیله اهداف پشت پرده خود را دنبال می کردند.

۲. روایات: حادثه اعتراض حارث فهری در روز غدیر خم به نصب امیرمؤمنان (ع)، آغاز انحرافها و توطئه هایی بود که خبر از آینده ای تاریک و فتنه انگیز می داد و نشانی بود از نفاقهای پشت پرده که بعد از رحلت خاتم پیامبران(ص) دامن امت اسلامی را گرفت و خلافت از خط اصلی خویش خارج شد و به دست غاصبان افتاد و آن همه اهانت به

روایت شد.



فاطمه زهرا (س) در خطبه آتشین خود فرمودند: «قَلَّمَا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فَيَكُنُّمْ حَسِيكَةَ الْفِثَاقِ وَ سَمَلَّ جَلْبَابُ الدِّينِ...»^۱ چون پروردگار متعال برای پیامبرش خانه انبیاء (آخرت) و آرامگاه برگزیدگانش را اختیار نمود [و او را به سوی سفر آخرت بُرد] در سینه های شما خار نفاق ظاهر، و جامه دین کهنه [و بی اهمیت] [گردید].»

ب. هواهای نفسانی کنترل نشده و تخلفات پیشین

جواب دوم این است که بگوییم هواهای نفسانی، ریاست طلبیها و اعمال ناشایست پیشین سران سقیفه آنها را به اینجا رساند که حتی حاضر شدند برای حفظ و تداوم خلافت غصب شده، فدک را نیز غصب کنند و خانه زهرا(س) را آتش بزنند و به شخص امیرمؤمنان و فاطمه زهرا(علیها السلام) نیز اهانت کنند. این تحلیل مبتنی بر این پیش فرض است که این گروه از اول

مسلمان بودند و اسلامشان نیز واقعی بوده است و در راه اسلام نیز فداکاری کرده و در جنگها شرکت داشته اند؛ اما چون نتوانستند خود را واقعاً بسازند، اطاعت از هواهای نفسانی و روحیه مقام خواهی از یک طرف و سرپیچی از فرامین پیامبر اکرم(ص) و گناهان متعدد از طرف دیگر آنها را به این مرحله رساند که چنان جنایاتی را مرتکب شوند.

این تحلیل، هم شاهد روایی دارد و هم شاهد عینی و خارجی. اما به عنوان شاهد روایی، دو روایت ذکر می شود:

۱. در لحظه ای که خواستند از علی (ع) اجباراً برای ابوبکر بیعت بگیرند، حضرت علی (ع) آنان را از هواپرستی برحذر داشتند و فرمودند: «و تَخَنُّ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْكُمْ مَا كَانَ فِينَا الْقَارِئِ لِكِتَابِ اللَّهِ الْفَقِيهِ فَمِ دِينِ اللَّهِ الْعَالَمِ بِسَنَنِ رَسُولِ اللَّهِ الْمُضْطَلَعِ بِأَمْرِ الرَّعِيَّةِ وَ اللَّهُ أَنَّهُ لَفِينَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى فَنَتَضَلُّوا عَنْ سَبِيلِ الْحَقِّ فَتَزِدُوا مِنَ الْحَقِّ بُعْدًا»^۲ و ما سزاوار این امر (خلافت)

۱- خطبه آتشین فاطمه زهرا(س)، مقم، دفتر نشر، ص ۳۴.

۲- بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۸، ص ۱۸۵
احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۷۴



هستیم نسبت به شما تا وقتی خواننده [آگاه به] قرآن، آگاه در دین خدا و دانای به سنتهای رسول خدا(ص) و چیره و توانا به امر رعیت (و مردم) در بین ما باشد. به خدا سوگند! به حقیقت چنین فردی در بین ما وجود دارد، پس از هوا [برای درخواست بیعت از من] پیروی نکنید که از راه حق گمراه می شوید و از حق بیشتر فاصله می گیرید.»

این روایت به خوبی دلالت دارد که آنچه سران سقیفه را به بیعت گرفتن اجباری و غضب خلافت و

اهانت به امیرمؤمنان و زهرا (علیها السلام) وادار کرد، پیروی از هواهای نفسانی و ریاست طلبیهاست. ۲. فاطمه زهرا (س) بعد از آنکه آن همه جسارت نسبت به او و علی (ع) روا داشته شد و خلافت غضب گردید، به محمود بن لبید فرمود: «آگاه باش! قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار و از عترت رسول خدا(ص) اطاعت می کردند، دو نفر هم [در باره حکم خدا] با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امامت را





گذشته‌ای از گذشته‌ای به ارث می‌برد.»

آن‌گاه درباره راز انحرافات فرمود: «وَاخْتَارُوا بِشَهْوَتِهِمْ وَاعْمَلُوا بَارَانِهِمْ تَبًا لَهُمْ أَوْ لَكُمْ يَسْمَعُوا اللَّهُ يَقُولُ ﴿وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ... هِيَ هَاتَ بَسَطُوا فِي الدُّنْيَا أَمْالَهُمْ وَنَسُوا آجَالَهُمْ فَغَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ آنها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد! آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: «پروردگار تو آنچه را که می‌خواهد، خلق می‌کند و هر چه بخواهد، اختیار می‌کند و برای آنان اختیاری نیست.» افسوس [که سران سقیفه] آرزوها [و هوسهای] خود را در دنیا تحقق بخشیدند و اجلهای خود را فراموش کردند! خدا آنان را نابود کند و اعمالشان را تباہ سازد!»

جملات فوق به خوبی نشان می‌دهد که اقدامات سران سقیفه برای رسیدن به خلافت و برخورد اهانت آمیز با خاندان وحی از سر هواپرستی و مقام‌خواهی بوده و تمام

مسائل پیش گفته ریشه در هواهای نفسانی و ریاست‌خواهی آنها داشته است.

در کنار هواپرستی، برخی اعمال زشت نیز انسان را وادار به اعمال زشت‌تر می‌کند؛ یعنی اگر بر انجام گناه اصرار بورزد، مرتکب گناه بزرگ‌تر و بیشتری خواهد شد. این معنی، در آیات پیش گفته^۲ به خوبی نمایان است.

این عامل نیز به خوبی در رفتار سران سقیفه دیده می‌شود؛ چرا که آنها در طول همراهی با پیامبر اکرم (ص) بارها از دستورات آن حضرت سرپیچی کردند و همین تخلفات بود که از غضب خلافت و اهانت به خانه وحی و شخص علی و زهرا (علیهما السلام) سر درآورد.

اینک به برخی از نمونه‌های سرپیچی و پیروی از هوای نفس در رفتار سران سقیفه به صورت فهرست‌وار اشاره می‌شود؛ با این تذکر که این گناهان قطع نظر از رفتارهای

۲. توبه / ۷۷ و روم / ۱۰.





فردی و اخلاقی این افراد است که در طول زندگی داشته اند و آنچه مد نظر است، برخی تخلفات اجتماعی و گناهان عمومی آنان است.

۱. فرار در صحنه جنگ احد و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) آن گاه که فرمان بازگشت صادر فرمود.^۱

۲. سرپیچی از شرکت در لشکر اسامه بن زید با اینکه صریحاً حضرت دستور داده بود که در مدینه نمانند و به لشکر اسامه پیوندند.^۲

۴. تخلف از آوردن قلم و دوات در آخرین لحظات عمر پیامبر اکرم (ص) برای نوشتن وصیت و همین طور متهم کردن حضرت به هذیان گویی^۳ و ...

اینها و سایر گناهان، سران سقیفه را تا آنجا پیش برد که حاضر

شدند برای تحکیم خلافت غضب شده، به خانه زهرا (س) هجوم برند و به حضرت آسیب رسانند.

درس و نتیجه

نتیجه و عبرتی که از دو تحلیل گذشته می توان گرفت، این است که در این زمان نیز از خطر سه گروه در امان نیستیم و همیشه باید مواظب خطرات آنها باشیم:

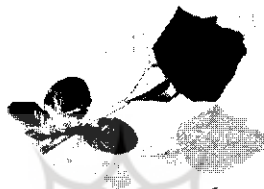
۱. منافقان کوردل: در هر قیام و انقلاب و نهضتی منافقان بیش از همه به پیکر آن قیام و مکتبش ضربه وارد کرده اند. اگر در صدر اسلام عده ای به جمع مسلمانان پیوستند تا از پشت به اسلام و مسلمین خنجر بزنند و از درون، جبهه حق را متلاشی کنند، امروز هم کم نبوده و نیستند کسانی که در جبهه انقلاب و نظام نفوذ کرده اند تا از پشت بر پیکر اسلام و دین ضربه زنند و از درون ایجاد اختلاف و انحراف کنند.

۲. هواپرستان: دنیا طلبان، ریاست خواهان و قدرت جویان همیشه انبیاء و امامان و هدایتگران را مانع تحقق هواهای نامشروع خویش دانسته و با آنها سخت به مبارزه برخاسته اند.

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۸۳

۲. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المراجعات، ص ۳۰ - ۳۱؛ النص و الاجتهاد، ص ۱۵ - ۱۹.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲، و ج ۲، ص ۱۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۵.



بعد از وفات پیامبر اکرم (ص)
این سه جریان دست به دست هم
دادند و آن حوادث تلخ را آفریدند و
سرانجام آن بانوی با عظمت با کوله
باری از رنج و غم دنیا را وداع کرد و
در آخرین لحظات زبان حالش این
بود:

شهادت از سرا پایم نمایان است ای فضه
کتاب عمر زهر اسرارو به پایان است ای فضه

به زحمت قتلگاه محسوم را می کنم چارو
گلاب قتلگاهش اشک چشمان است ای فضه

امروز هم همینها با اشاعه فرهنگ
فساد و فحشا، تجمل گرایی و
اسراف و تبذیر، به دنبال فساد جامعه
و در نتیجه، رسیدن به قدرت و
ریاست می باشند. از اینها نیز نباید
غافل بود.

۳. اهل گناه: در طول تاریخ افرادی
بوده اند که از اول از نظر اندیشه و
رفتار خوب ظاهر شده اند، ولی
عادت به برخی گناهان و داشتن
برخی صفات رذیله، سرانجام آنها را
به جبهه باطل کشانده است؛ افرادی
مانند: طلحه و زبیر. امروز، نیز از
چنین کسانی نباید غافل باشیم. فقط
سابقه درخشان کافی نیست بلکه تا
آخر خط ماندن، شرط اساسی است.

